

متن پرسش

با سلام: شبهه ایست خانمانسوز که اعتقادات و به تبع آن عمل به شریعت را در من بیش از پیش نشانه رفته است و آن شبهه مغزهای در خمره است. حکما چه راهکاری برای حل این مساله دارند؟ خواهشا پاسخی سدید عنایت کنید چه در پاسخ های قبلی بنظر می رسد به دنبال اقناع ما نیستید. آیا خداوند از علما میثاق نگرفته که جاهلان را ارشاد کنند پس چرا ساکتید؟ در پاسخ قبلیتان ما را حواله به کتاب برهان صدیقینتان دادید. اولاً دکتر یثربی در کتاب حکمت متعالیه شان بقدر کافی تردید در ما ایجاد نموده که کتاب شما گره گشای کار ما نباشد در آن کتاب از مثال نور استفاده می کنید. کسی که با فیزیک آشنا باشد می داند مثال شما قیاس مع الفارق است، نور چهار تا فوتون بیش نیست چه ارتباطی به تجلی دارد نور تجافی ای بیش نیست همانند باران لکن چون سرعت اش زیاد است گمان می رود تجافی نیست یا در اول برهان اعتبار آن را بر سופسطایی نبودن ماکول می کنید شما در کجا ادله سופسطایی ها را ابطال کردید حتی در پاسخ قبلی نوشته بودید در زمینه شکاکیت کار نکردید. واقعا رواست و خدایتان اجازه می دهد در زمینه مکاتبی که کار نکردید بگویید باطل است در صورتی که روز به روز حقانیت آن برای ما بیش از پیش ثابت می شود.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نور را به عنوان مثال عرض می‌کنم تا موضوع به ذهن نزدیک شود، ولی اصل برهان یک کلمه بیشتر نیست و آن عبارت است از این که اگر کسی معتقد باشد موجوداتی در خارج هست یا آن موجودات باید عین وجود باشند و یا به عین وجود ختم شوند و اشکالات آقای دکتر یثربی مربوط به این موضوع نمی‌شود و عرض بنده در کار نکردن در زمینه‌ی شکاکیت به معنای شناخت آن تفکر نیست، منظور آن است که عده‌ای وقت گذاشته‌اند در موضوع نقد شکاکیت و مباحثی را در نقد آن دارند، بنده به آن روش معتقد نیستم، به همان روشی که در جواب‌های متعدد عرض کردم معتقدم. و اساساً بحث شکاکیت یک موضوع فلسفی نیست، بلکه بر سر درِ تفکر فلسفی و عرفانی نوشته؛ هرکس هنوز موضوع شک خود را حل نکرده وارد نشود. لذا همان طور که در جواب یکی از سؤالات عرض کردم جایی برای ادامه‌ی بحث نمی‌ماند. موفق باشید